

و چالش برخاسته از آن در برابر مذهب است. پارادایم سوم؛ چپ انتقادی و سازه‌انگاری است. سه چالش عمده بر سر راه دین در ایران وجود دارد: ۱. چالش علمی؛ ۲. چالش مرتبط با فضاها؛ ۳. چالش تئوریک.

آقای فیرحی درباره «پست سکولاریسم، فقه‌اسلامی و روابط بین‌الملل» گفت: «پست سکولاریسم، بازگشت دین به حوزه عمومی، خواه داخلی و خواه روابط بین‌الملل است.» به لحاظ تاریخی دو معضل عمده بر سر راه کشورهای اسلامی قرار دارد؛ یکی مربوط به داخل کشورهای اسلامی است و آن این که مذهب در این کشورها، خصلت «تبرایی» پیدا کرده است. معضل دیگر در رابطه با مذهب در جهان اسلام، این است که چون بسیاری از کشورهای اسلامی به نحوی از دخالت استعمار رنج می‌برده‌اند و از طرفی هم، ادبیات استعماری، لیبرالی بوده، لذا مذهب در تقابل با لیبرالیسم رشد کرده است. بنابراین باید دید که آیا اسلام می‌تواند در جهان پسا سکولار مدیریتی را بر عهده گیرد و اجرا کند؟ وی در پایان درباره نحوه مشارکت ادیان در جهان پسا سکولار یادآور شد: «این مشارکت که حاصل تغییری در گفتمان جهانی است، احتمالاً به نوع استراتژی‌ای برمی‌گردد که در تبیین مبانی دینی خود در نظر می‌آوریم، ما باید نظریه بین‌الملل خود را، به یک «متاتئوری» بدل کنیم. در این زمینه باید از تجربه دیگران هم بهره بگیریم. بر این باورم که در بین ادیان، اسلام، پتانسیل بیشتری در تکیه بر گزاره‌های مشترک ادیان داشته باشد و از این جهت شاید بتواند مشارکت بهتری را در عرصه بین‌الملل صورت دهد».

گزارشگر: ابوالفضل حسینی

مشکلی به نام زبان علم

داور شیخاوندی

مهرپوری، ش ۳۷۳۰، ۴/۱۰/۱۳۸۷

مشکل ترجمه متون جامعه‌شناختی و فلسفی در ایران گویی حل ناشدنی است. ترجمه‌های پر از اغلاط محتوایی که باعث می‌شود فهم متن با مصائبی خاص همراه شود؛ آقای شیخاوندی در این باب سخن گفته و معتقد است که هایدگر هنگامی که در باب مسأله هستی، کلیات تئوری خود را سامان داد، فصل مهمی را به «زبان» اختصاص داد و آن را در مفهومی کلان مطرح کرد. رنالیست‌های انتقادی نیز معتقدند که زبان اساساً ماهیتی دارد که در «معرفت» نسبت به جهان و ساحت‌های اجتماعی نقشی کلیدی ایفا می‌کند. اما در ایران گویی به علت ناهم‌سازی موجود میان علوم انسانی غربی و متن اجتماعی ما، «زبان» به عنوان عامل معرفت‌ساز نمی‌تواند نقشی پویا را ایفا کند و ترجمه‌های متون فلسفی و جامع‌شناختی،

بازتاب اندیشه ۱۰۶

گزارش‌ها

خود، مصداقی بر همین امر است. علم در زبان منعکس می‌شود و اگر زبان در این باب همکاری نکند، فهم علم با دشواری مواجه می‌شود و چه بسا بدفهمی به بار آورد. از این منظر، جامعه‌شناسی در ایران بد آغاز شد؛ ابتدا به آن «علم الاجتماع» می‌گفتند و به همین وجه، به روان‌شناسی هم «علم النفس» گفته می‌شد. نکته بعدی که حساسیت‌ها را نسبت به جامعه‌شناسی افزایش داد و به غیر علمی شدن زبان آن انجامید، این بود که حزب توده کتابی نوشت تحت عنوان جامعه‌شناسیم. بعد از آن که جامعه‌شناسی به دانشگاه‌ها آمد، مسئولین وقت هم گمان می‌کردند جامعه‌شناسی، ذاتی مارکسیستی دارد. سپس نویسنده به این امر اشاره می‌کند که واضعان جامعه‌شناسی ایرانی، همگی از اهالی فلسفه بوده‌اند؛ در این امر یک ناکامی برای جامعه‌شناسی ایرانی بود. آقای شیخاوندی از مباحث خود این چنین نتیجه می‌گیرد که: «جامعه‌شناسی در ایران، دوران خردسالی را می‌گذراند. زبان ترجمه از این حیث، بسیار اهمیت دارد. باید دید این ترجمه تا چه حد با جامعه ما انطباق دارد. برخی گمان می‌کنند همان آزادی که در غرب است را می‌توان با ترجمه تحت‌اللفظی در ایران رواج داد؛ در حالی که در ایران، آزادی به «آزادگی» است. مترجمان و استادان جامعه‌شناسی باید زبان علم را بسیار دقیق بدانند و زبان خودشان هم به همین وجه، متأسفانه امروز ما بر اثر مسائل مختلف، جرأت نقد یکدیگر را نداریم.» جامعه‌شناسی ایرانی، اگر در حوزه زبان علم و ترجمه به مسائلی صعب برخورد، به آن دلیل است که به هستی‌های جامعه‌ای و اجتماعی خویش بی‌اعتناست و ابزار تحلیلی‌ای را برگزیده که قرابتی با تاریخ و فرهنگ و اندیشه ایران ندارد. نویسنده به نیکی به این امر اشاره کرده که «آزادی» در غرب معنایی دارد و در ایران معنای دیگر. اساساً تا چه حد گزاره «جامعه‌شناسی ایرانی» موضوعیت دارد؟ آیا بسان جامعه‌شناسی آمریکا که «مکتب شیکاگو» دارد یا آلمان که «مکتب فرانکفورت» داشت، جامعه ایرانی مکتب جامعه‌شناسی دارد؟

گزارش‌گر: حسن علوی

کمون‌های روشن‌فکری دینی

مقصود فراستخواه

ضمیمه اعتمادملی، ش ۸۳۷، ۲۱/۱۰/۱۳۸۷

بازتاب اندیشه ۱۰۶

۹۱

گزارش‌ها

آقای فراستخواه در این نوشتار به بررسی رویکردهای روشن‌فکری دینی در ایران اشاره کرده است. از نظر ایشان روشن‌فکری دینی، وجود جدید تاریخی در عرصه تحولات ایران معاصر است. سه رویکرد متفاوت معرفت‌شناختی روشن‌فکری دینی عبارتند از: ۱. رویکرد اثباتی؛ ۲. رویکرد توجیهی؛ ۳. رویکرد توضیحی.